[illegible] نسخه
محمد علی رضائی

۱۳۸۴/۳/۱۷

سرفصلها و نشانها تحریر طلا و شنگرف و لاجورد است
و جلد روغنی لیمه‌ای رنگ الی رنگی بوته از درون
و درون لکی با بدر روغن طلا بخورد
و درون آخر حاشیه گل و برگ طلا دارد

آستان قدس

کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب زاد المعاد مترجم

مصنف علامه مجلسی محمد باقر بن محمد تقی رضوان الله علیهما

مؤلف

۲۵ سطری

خطی خط نسخ استادانه محمد شفیع دارای سرلوح [illegible] طلا و تحریر شنجرف و لاجورد

چاپی و حاشیه که ورق اول طلا اندازی دارد و [illegible] بجای تحریر لاجورد و شنجرف.

سال چاپ یا تحریر ۱۲۵۴ عدد اوراق ۲۶۸

جزء کتب ادعیه و زیارات شماره خصوصی

شماره عمومی ۱۵۵۲۰ شماره قبض

واقف خریداری آستانقدس تاریخ وقف ۵/۶/۱۳۶۶

طول ۲۰/۸ عرض ۱۲/۴ شماره صفحات

هذه نسخة الزاد

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی الآخرة
والاولی والصلوة والسلام علی سید الوری محمد وعترته
ائمة الهدی اما بعد بنده خاطی محمد باقر بن محمد تقی عفی الله عن جرائمهما
بر الواح ارواح صافیه برادران ایمانی واخلای روحانی مینگارد
که چون جناب مقدس ایزدی تعالی شانه برای گمگشتگان بوادی جهالت و
ضلالت طریق صوم و صلوة و دعا و عبادات که اشرف وطرق نیل سعادات اند
مقرر گردانیده که کتب دعا مشحونست از انها وانچه در اخبار ائمه اطهار صلوات
الله الملک الغفار که اکثر انها را در کتاب بحار الانوار ایراد نموده‌ام و اکثر
خلق را باعتبار اشتغال بانواع اشغال دنیویه و غیره تحصیل انها و عمل بجمیع
انها میسر نیست خواستم منتخبی از اعمال سال و فضائل ایام و لیالی شریفه
و اعمال انها که باسانید معتبره وارد شده است در این رساله ایراد نمایم که
اکثر عامه خلق از برکت انها محروم نباشند و شاید این بنده عاصی را بدعا

المعاد من تصنیف

مغفرت یاد نمایند و مسمی گردانیدم او را بزاد المعاد عسی الله ان یهدینا
وایاهم الی سبیل الرشاد و چون تمام این رساله و آغاز این مجاله در زمان
دولت عدالت ثمر ∴ و اوان سلطنت سعادت اثر ∴ اعلیحضرت سید سلاطین
زمان ∴ و سرور خواقین دوران ∴ شیرازه اوراق ملت و دین ∴ نقاوه
احفاد سید المرسلین ∴ آب و رنگ گلستان مصطفوی ∴ چشم و چراغ دودمان
مرتضوی ∴ سلطان جم خدم ∴ خاقان فرشته حشم ∴ شجاعت آثاری که تیغ آب
دارش برای سرهای کفار نهریست بی داو ∴ و حسام آتش بارش برای خرمن
حیات مخالفان و معاندان مصدوقه یرسل علیکما شواظ من نار ∴ دست همایونش
مزید رفعت شان در آستان رفیع البنیانش باکف الخضیب همدستان
و خروش صوفیان صفوت نشان بزمزمه دعای خلود دولت ابد توامان با عندلیب
اغصان سدرة المنتهی همداستان هر که تیغ خلاف از نیام کین برکشید چون بید
برخود بلرزید و هر که چهار آینه نفاق دربر کشید صورت مرگ خود را در آن دید که

که موافق بعضی از روایات واجبست آن مملوک را بکفارهٔ آن عمد آزاد کند و این احوط است و اگر
او را بکشد بعمد کفارهٔ جمع میدهد و اگر بخطا بکشد کفارهٔ قتل خطا میدهد و واجبست که قتل
میدهد و واجبست که قیمهٔ آن غلام را تصدق کند بنا بر مشهور **هفدهم** کسیکه روزهٔ ماه
مبارک رمضان را افطار کند بسبب بیماری اگر تا ماه رمضان دیگر نا خوش باشد قضا ساقط
میشود و برای هر روزی یک مد یا دو مد طعام میدهد علی الخلاف و بعضی گفته اند قضا از او ساقط
میکند و ابن جنید گفته است که احتیاطاً هر روز را میکند و اگر در ما بین دو رمضان
بر طرف شود قادر بر روزه باشد بدون عذر تا اخیر کند تا رمضان دیگر هم بیاید اشهر و اقوی آنست
که بعد از ماه رمضان هم قضا میکند و هم برای هر روزی یک مد یا دو مد میدهد و بعضی کفاره واجب ندانسته اند
و بعضی گفته اند کفاره در صورتیست که عزم بر قضا نداشته باشد و اگر عازم بر قضا باشد و بعد از ان
نکشد تا وقت بیماری یا عذر دیگر عارض شود قضا باید کرد و کفاره نیست و قول اول
اقوی است **هیجدهم** نوادر کفارات است از حضرت صادق منقولست که کفارهٔ عمل سلطان
قضای حوائج مؤمنان است و کفارهٔ غیبت استغفار است برای آن شخصی که غیبتش کرده است
و کفارهٔ مجلس آنست که چون از مجلس برخیزد بگوید سُبحانَ رَبِّکَ رَبِّ العِزَّةِ عَمّا یَصِفونَ
وَسَلامٌ عَلَی المُرسَلینَ وَالحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمینَ و کفارهٔ خنده آنست که بگوید اللّٰهُمَّ
لا تَمقُتنی یعنی خداوندا مرا دشمن مدار و بر من غضب مکن و در حدیث معتبر از
حضرت امیر المؤمنین منقولست که هر که بد بگوید بگوید لا اَبَ لَکَ وَلا اُمَّ لَکَ یعنی
پدر مباد ترا و مادر مباد باید که چیزی تصدق کند و کسیکه بگوید بحق پدرم کفاره
آنست که بگوید لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ و خلافست در این نوع قسم مثل بجان تو یا بجان خودم یا
بحق پدرم بعضی حرام دانسته اند و اشهر کراهت است و احوط ترک است **واما احکام کفارات**
پس در چند فصل بیان میشود **اول** هر گاه بنده باید آزاد کردن در کفارهٔ قتل میباید
که آن بنده مؤمن باشد و در باقی کفارات خلافست و احوط رعایت ایمانست در کفاره
احوط آنست که بالغ باشد و در غیر آن مرد و زن و بالغ و نا بالغ یکی نیست و باید که آن
بنده کور و جذامی و زمین گیر نباشد و مولی بان جراحتی نرسانیده باشد که موجب عتق
او باشد و بعضی گفته اند که باید خصی و لال و کور نباشد و ولد الزنا نباشد و مشهور اجزاست
و احوط ترک است و غلام گریخته را مشهور آنست که آزاد میتوان کرد تا علم بمرگش بهم نرسد
و بعضی شرط کرده اند که خبری از او برسد و بعضی شرط کرده اند که ظن حیات او باشد **دوم**

در کفاره

در کفارهٔ مرتبه تا از بنده آزاد کردن عاجز نشود بروزه مشغول نمیشود و هر جا که روزه
دو ماه باشد میباید که متوالی بگیرد و توالی که بیک ماه و یک روز بگیرد بعمل میآید پس معنی
که اگر بعد از آن بدون عذر افطار کند بنا باید از سر بگیرد و یا تفریق جایز است بعد
یا حرام است اول اظهر است و ثانی احوط است و اگر بیش از یک ماه و یک روز بعذری افطار
کند از سر بگیرد و اگر بعذری باشد مانند حیض و نفاس و بیهوشی و دیوانگی و بیماری
و سفر ضروری بعد از زوال عذر بنا میگذارد و تمام میکند و همچنین اگر مجبور شود
در افطار روزه بنا بر اقوی و هر جا کفاره دو ماه متوالی باشد اگر کفاره دهنده بنده
باشد یک ماه پیا پی میگیرد علی الاقوی **سیم** هر جا که طعام لازم شود مشهور آنست که بهر یک
بقدر الطعام بخوراند که سیر شود و بهتر آنست که نان خورشی با نان ضم کند مانند خرما و گوشت
یا سرکه و بعضی گفته اند میباید چاشت و شام هر دو بهر مسکینی بخوراند بقدری که سیر شود
و احوط اینست اگر چه ظاهر آنست که یک وقت کفایت مینماید و اگر خواهد طعام بمسکین
میتواند داد و در مقدار آن خلافست و بعضی یک مد گفته اند و بعضی دو مد و احوط دو مد
و بهتر آنست که با نان نان خورشی نیز بدهد چنانچه بعضی واجب دانسته اند و در طعام دادن
کوچک و بزرگ تفاوت نمیکند و احوط آنست که حصهٔ اطفال را بولی شرعی ایشان بدهد
و اگر طعام خوراند صغیر و کبیر را با هم ضم تواند کرد و اگر دو طفل را بجای یکمرد حساب کند
احوط است و در یک کفاره دو حصه را بیک مسکین نمیتواند داد مگر آنکه یافت نشود
و احوط آنست که تا ممکن باشد بغیر مؤمن ندهد و به پریشان بسیار پریشان ندهد که مسکین
بر او صادق نباشد و مد چهار یک صاع است و صاعی یک من تبریز و چهارده مثقال کم
بنا بر مشهور و چون در احادیث اختلافی در تحدید صاع و مد نیست و احوط آنست که
بجای دو مد نیم من شاه تقریباً بدهد **چهارم** در جائیکه کسوه باید داد در زن پیراهن و مقنعه
کافیست در مرد بعضی بیک جامه مانند پیراهن اکتفا کرده اند و بعضی دو جامه لازم
میدانند و بهتر آنست که پیراهن و قبا بدهد و بالاپوش و بهتر آنست که نو باشد و جامهٔ طفل
بهتر آنست که بر خصی و طفل بپوشانند **پنجم** هر گاه از عتق بنده عاجز شود و شروع کند
در روزه و بعد از آن قادر شود بر بنده آزاد کردن روزهٔ او مجزیست و بهتر آنست
که ترک کند روزه را و بنده آزاد کند خصوصاً هر گاه کمتر از یک ماه و یک روز روزه

کفارات

باشد وجمعی از اصحاب قایل شده اند که هر گاه بر کسی دو ماه
روزه واجب شود که عاجز شود از گرفتن آن هیجده روز روزه
میدارند واگر نتواند برای هر روزی مدی از طعام میدهد واگر
نتواند استغفار میکند واشهر واقوی انست که اگر هر
کفاره که عاجز شود استغفار بدل آن میشود مگر کفاره
ظهار که بعضی گفته اند که تا کفاره ندهد وطی زن
بر او حلال نمیشود هر چند عاجز باشد واگر بعد
از عجز واستغفار بر کفاره قدرت بهم رساند احوط
انست که بان کفاره عمل بیاورند وچون اکثر مردم
جاهلند بکفارات واحکام انها وبر ایشان لازم میشود
ونمیدانند ومشغول الذمه بحق الهی میمانند
قدری از احکام انها را درین رساله کثیره
الفایده ایراد نمودم ملتمس از برادران ایمانی

انست که هر که ازین رساله منتفع گردد در حال
حیات یا بعد از وفات این شکسته بدعای رحمت
ومغفرت این مستحق دعا یاد کنند صورت خط
مؤلفه طاب ثراه وجعل الجنة مثواه وختم
بفضل الله وسبحانه وتاییده فی شهر المعظم
رمضان المبارک من سنة سبع مائة والف من
الهجرة المقدسة المیمونة علی ید مؤلفها الراجی الی
الکریم المنان فی محروسة الاصفهان صین عن طوارق
الحدثان مع وفور الاشغال واختلال الاحوال ونوع
البال والحمد لله اولا واخرا والصلوة والسلام علی سید البشر
محمد واله الطاهرین ولعنة الله علی اعدائهم ومخالفیهم
ومعاندیهم وغاصبی حقوقهم اجمعین من
الاولین والاخرین من الان الی یوم الدین سنة ۱۲۵۴

محمد نصیر الحسینی

از بین شد
۱۳۷۰ ش